

تحلیلی بر فعالیت سپاه صلح کندی در ایران ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ شمسی

دکتر ویدا همراز

عضو هیئت علمی دانشکده صدا و سیما

تهران - ایران

چکیده :

روابط ایران و آمریکا تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران زوایای اشکار و پنهان بسیار دارد. یکی از موضوعاتی که در تاریخ روابط دوکشور کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است علل و اهداف اعزام کارشناسان وابسته به سپاه صلح کندی به ایران و فعالیت صدها نفر از آنها در فاصله سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ شمسی است. این موضوع حلقه ای از زنجیره قراردادهای فرهنگی ایران و آمریکا در دوره حکومت محمد رضا پهلوی است و بیانگر اهمیت ایران در دوران جنگ سرد برای آمریکا میباشد. آمریکا در دوران جنگ سرد کوشید با مجموعه ای از اقدامات ایران را از خطر نفوذ همسایه شمالی اش اتحاد جماهیر شوروی دور نگاه دارد. اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و افزایش رفاه توده مردم با هدف خنثی ساختن تبلیغات کمونیستها در میان اقشار محروم جامعه و کمک به ثبات بیشتر حکومت متحد آمریکا در ایران برای همه روسای جمهور آمریکا از جمله جان اف کندی اهمیت داشت و اعزام صدها داوطلب سپاه صلح کندی به ایران هم با این هدف انجام شد. هدف آن بود که با خود نه فقط دانش و مهارتهای جدید را به ارمغان آورند بلکه زمینه نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران را هم فراهم سازند. طبق این طرح صدها جوان آمریکایی در شهرها و روستاهای ایران پراکنده شدند و از نزدیک به زندگی با ایرانیان پرداختند و هیچ گونه محدودیتی برای معاشرت آنها با مردم ایران وجود نداشت که این امر به خوبی سهولت نفوذ از این طریق را نشان می دهد.

این مقاله می‌کوشد با طرح مبانی اولیه و بیان مسئله زمینه بحث و پژوهش جدی‌تر در اسناد مرتبط با فعالیت‌های گروه صلح‌کنندگی در ایران را فراهم آورد. برای این تحقیق به اسناد موجود در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران و آرشیو سپاه صلح‌کنندگی و کتب و مقالات متعدد مراجعه شده است. از دیگر نتایج مهم این پژوهش یافتن شباهت‌های بسیار میان فعالیت این گروه و سپاهیان دانش‌بهداشت و ترویج ابادانی بود که بر اساس اصول انقلاب سفید تشکیل شدند.

کلید واژگان: ایران و آمریکا - جان اف کندی - سپاه صلح - سپاه دانش - سپاه بهداشت سپاه ترویج ابادانی

مقدمه

شکل‌گیری روابط فرهنگی ایران و آمریکا از نظر زمانی مقدم بر ایجاد روابط سیاسی و بازرگانی دو کشور بوده است و در دوره قاجاریه مبلغان مسیحی امریکایی با هدف ترویج دین خود به ایران آمدند. از آن پس روابط فرهنگی ایران و آمریکا با گسترش روابط سیاسی ابعاد جدیدی یافت و بخصوص در دوره پهلوی دوم، همزمان با تعاملات فزاینده سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و آمریکا، روابط فرهنگی در اشکال مختلف ادامه یافت. با توجه به آنکه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم آمریکا در مواجهه با تبلیغات کمونیستی شوروی در جهان سوم به امور فرهنگی در کشورهای متحد خود بیش از گذشته توجه کرد، مجموعه‌ای از قراردادهای فرهنگی برای حضور بیشتر امریکاییان در ایران میان دو دولت منعقد شد که از آن میان می‌توان به فعالیت‌های اصل چهار ترومن، بنیاد خاور نزدیک، سپاه صلح اشاره کرد که به طور تلویحی به بخشی از سیاست‌های روسای جمهور مختلف آمریکا اشاره دارد. در این میان سپاه صلح مأمور اجرای بخشی از برنامه - های فرهنگی آمریکا در ایران و دیگر کشورها در دوره جان اف. کندی بود.

جان فیتز جerald کندی از مشهورترین چهره‌های سیاسی امریکاست. زندگی سیاسی و شخصی و مرگ او هنوز محور بسیاری از پژوهش‌ها در داخل و خارج از امریکاست. دوران ریاست جمهوری او یکی از حساس‌ترین دوره‌ها در جنگ سرد میان آمریکا و شوروی بود آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است یکی از برنامه‌های سیاست خارجی کندی برای مقابله با نفوذ کمونیسم در جهان سوم است که بر روابط ایران و آمریکا و نیز مسائل سیاسی کشورمان در دوران

مورد نظر اثر گذاشت ولی تاکنون کمتر از سوی محققان ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه در تاریخ سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم "کمک‌های خارجی" نامیده شد و فراتر از نام فریبنده آن ایزاری برای کمک به توسعه نفوذ آمریکا در دیگر کشورها بوده است به معنای اعطای کمک‌های فرهنگی اقتصادی و فنی و نظامی به کشورهای دوست و متحد آمریکا است و در هر مقطع از تاریخ سیاسی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم شکل خاص یافته و یا برای سرپوش نهادن بر اهداف اصلی طراحان آن تحت نام‌های مختلف معرفی و اجرا شده است. اما آن چنان در سیاست خارجی آمریکا ریشه دوانیده است که تا امروز قطع نشده است.

آنچه در باره سیاست خارجی کندی و طرح‌های او برای جهان سوم کمتر مورد توجه قرار گرفته است، استفاده از ابزار کمک خارجی (بخصوص کمک‌های فرهنگی) برای تحکیم نفوذ سیاسی آمریکا در کشورهای مورد تهدید کمونیسم از جمله ایران است. این پروژه در زمان کندی "سپاه صلح" نام گرفت. نهادی که کندی با این عنوان بنیاد نهاد هنوز از بخش‌های فعال و رو به رشد دستگاه سیاست خارجی آمریکا است و همه روسای جمهور آمریکا پس از کندی تا امروز عضویت و ریاست افتخاری آن را بر عهده دارند. برخی رویدادهای سیاسی در آمریکا نظیر واترگیت و جنگ ویتنام در دهه ۱۹۷۰ موجب تضعیف سپاه صلح کندی شد و لی در سال‌های بعد رونالد ریگان آن را احیا کرد و این روند تا امروز ادامه یافته است.

این مقاله به نحوه ورود و فعالیت سپاه صلح کندی به ایران به عنوان بخشی از ابزارهای نفوذ فرهنگی و اجتماعی آمریکا در جهان سوم و تأثیرات داخلی آن می‌پردازد.

سیاست خارجی کندی، تلاش برای تغییر چهره زشت آمریکا

جان اف کندی جانشین آیزنهاور و پیروز در انتخابات سال ۱۹۶۱ میلادی آمریکا بود. احراز مقام ریاست جمهوری بوسیله او چرخش بزرگی در سیاست خارجی آمریکا پدید آورد. شاید بتوان گفت این چرخش استراتژیک برای دستیابی به اهداف، جهت‌یابی‌های جدید و اساسی تری را دنبال می‌کرد. شکی نیست که کندی جوان با آیزنهاور سالخورده تفاوت ظاهری بسیار داشت و در عمل هم نیاز ملی به تغییر و پیشرفت در داخل و توسعه نفوذ آمریکا در خارج را در نظر داشت. این روش نه فقط با دخالت شدید در دروندتصمیم‌گیری بلکه با اعتقاد به لزوم اقدامات شخصی

بوسیله تماسهای پی در پی و مکاتبه با رهبران سیاسی جهان مشخص می شود. تحول، انقلاب، ترقی، نوگرایی و پیشرفت مفاهیم و کلمات رایج در سخنرانیهای کندی در باره مسائل جهان بودند. کندی در حالیکه بر مبارزه با توسعه طلبی شوروی تاکید می کرد، اصرار داشت سیاست جهانی را از زاویه ای بنگرد که به روابط امریکا - شوروی منحصر نمیشد. در واقع او این زاویه را به طور گسترده تر در روابط شرق و غرب جستجو می کرد. به اعتقاد او کشمکش امریکا و شوروی از نیمکره شمالی به نیمکره جنوبی بسط و گسترش یافته بود که در این منطقه فقر، آشوبهای داخلی، و ناامیدی های اجتماعی و بیکاری به این کشمکش دامن می زد.

به عقیده کندی خطر منافع غرب نه از تمرکز ارتشهای انبوه زمینی کشورهای کمونیست، بلکه از تاثیر مخرب عواملی چون ناامیدی و فقر اقتصادی و فرهنگی ناشی میشد و راه مقابله با این خطرات، حمله به فقر، بی عدالتی و بیکاری در بخش عقب مانده جهان یعنی محل تمرکز تبلیغات کمونیستها بود و این اقدامات بسیار ارزان تر و کم خطر تر از عملیات نظامی بر علیه کمونیستها بود و دولتهای متحد امریکا باید این نکته را در می یافتند. بر این اساس کندی سه خط مشی عمده را در پیش گرفت:

۱- همدمی با جنبشهای ناسیونالیستی به عنوان نیروی محرکه ملت‌هایی که در سابق مستعمره بودند

۲- پذیرفتن عدم تعهد ملت‌های تازه استقلال یافته

۳- دفاع از سیاستی که تحت عنوان "رسالت جهانی امریکا برای اصلاح و پیشرفت و نوگرایی" معرفی میشد و میتواند بهترین تضمین کننده موقعیت امریکا در برابر گرایشهای شدید به بر اندازی حکومت‌های دست نشانده امریکا و احیانا رشد کمونیسم بود.

این سه مورد ثبات سیاسی مطلوب کندی در جوامع توسعه نیافته را به ارمغان می آورد و بر همسویی مردم این کشورها با امریکا میافزود. شاید سخنرانی کندی در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۱ میلادی برابر با ۳۰ دی ۱۳۳۹ شمسی به خوبی بیانگر سیاست او در جهان سوم باشد. او در مقام رئیس جمهور امریکا و جانشین آیزنهاور جمهوری خواه سیاست دولت جدید دموکرات را در برابر جهان سوم اینگونه بیان کرد: "به آن کسانی که در بیغوله ها و روستاهای نیمی از کره زمین در پی پاره کردن بندهای نگون بختی توده ها در مبارزه و ستیزند تعهد می سپاریم که بهترین و بالاترین کوشش خود را تا هر زمان که لازم باشد بکار بندیم تا آنها قادر به خودیاری شوند" (Johnson.1978.40).

این آرمانگرایی امریکایی و ادعای نجات بخشی که امریکا پس از جنگ جهانی دوم در برابر توسعه کمونیسم شعار خود ساخته بود برای مردم کشورهای جهان سوم آشنا بود و کلمات سخنرانی کندی شباهت بسیار با نطق " هاری ترومن " رییس جمهور اسبق امریکا در سالهای نخست پس از جنگ جهانی دوم و سالهای آغازین جنگ سرد داشت. در واقع کندی هم مانند ترومن می کوشید با این الفاظ فریبنده اهداف اصلی سیاست خارجی امریکا در جهان سوم و اعزام هزاران کارشناس اقتصادی و نظامی و فرهنگی به جهان سوم را پنهان کند. سیاست " مرزهای نو " که جان اف کندی در پیش گرفت به کاستن از بودجه کمکهای نظامی و جانشین ساختن کمکهای فرهنگی و اقتصادی (دانش فنی و مشاوره فرهنگی) متکی بود. به گونه ای که همه تغییرات اقتصادی و اجتماعی در داخل کشورهای جهان سوم از طرف دولتها یا قماری امریکا انجام شود و در واقع " اصلاحات از طبقه بالا و در صلح و صفا انجام پذیرد و از بوجود آمدن انقلاب اجتماعی پیشگیری کند. " این سیاست امریکا بیشتر متوجه کشورهای امریکای لاتین بود که با خطر نو ظهور کمونیسم از طریق کوبا روبرو بودند. در واقع انقلاب کوبا کندی را وادار کرد تا " طرح اتحاد برای پیشرفت " را با هیاهوی تبلیغاتی بسیار اعلام کند. این طرح شکل دگرگون شده " اصل چهار ترومن " بود با این تفاوت که اولاً سود سرشار شرکتهای امریکایی فعال در امریکای لاتین را تضمین می کرد و در واقع سود فراوان حاصل از فعالیت این شرکتها به داخل امریکا باز می گشت و ثانیاً از امریکا تصویر دوستدار رفاه و اسایش مردم در جهان سوم می ساخت (امروز ، ۱۳۶۳، ۲۶۳) کندی با اجرای این طرح قصد داشت حکومتهای دیکتاتوری دست نشانده امریکا در امریکای لاتین را برای اجرای برخی اصلاحات اقتصادی تحت فشار بگذارد. بدیهی بود این اقدامات که با کمک و راهنمایی امریکا انجام میشد فقط به منظور جلوگیری از گسترش افکار ملی گرایانه و تند رویهای سیاسی چپگرایان امریکای لاتین بود و حدود آن توسط امریکا از پیش مشخص شده بود.

این طرح همچنین برای مقابله با هرگونه مخالف داخلی احتمالی تقویت نیروهای پلیس محلی و ارتش را توصیه می کرد در واقع کندی و مشاورانش عقیده داشتند هرگاه ارتشهای جهان سوم تشخیص دادند اعمال رهبران یک کشور مغایر با رفاه ملت است می توانند آنها را بر کنار کنند. تاکید و تبلیغ فراوان در باره پیشرفت اقتصادی و اصلاحات ارضی و اعطا ازادیهای دموکراتیک در دوره کندی نهایتاً کوششی بود برای حفظ وضع موجود سیاسی در کشورهای متحد امریکا. در امریکای لاتین خطر نفوذ کمونیسم از طرف کوبا _ در ویتنام از طرف چین _ در ایران

از طرف شوروی بود. این تحلیل بهما کمک می کند در یابیم چرا در ایران همزمان با زمامداری کندی در امریکا تحولات سیاسی و اقتصادی که از طرف حکومت وقت " انقلاب سفید " نام گرفت انجام شد. حکومت کندی همان دیدگاهها یبنیادی سیاستمداران امریکایی را در مورد منافعاستراتژیک امریکا در ایران داشت ولی چون همزمان با یک رشته بحرانهای عمده در جهان سوم روی کار آمده بود برای روابط خود با حکومت ایران اهمیت بیشتر قائل شد.

کندی اندکی پس از شروع کارش به عنوان رئیس جمهور امریکا، گروهی ویژه به سرپرستی " فیلیپس تالبوت " معاون وزیر امور خارجه امریکا را مامو بررسی امور ایران کرد (گازپوروسکی ۱۳۷۱، ۱۷۳). پس از آن و در پی گزارشهای مختلف که کارشناسان امور ایران در وزارت امور خارجه امریکا ارائه کردند، کندی سیاست اصلاحات از بالا را برای ایران مناسب تشخیص داد و به محمد رضا پهلوی پیشنهاد کرد. این سیاست، امیزه ای از برنامه ای اصلاحی اجتماعی و اقتصادی و در صورت لزوم توأم با سرکوب نیروهای مخالف اصلاحات بود. به طوریکه هرگاه اصلاحات مورد نظر امریکا با مقاومت روبرو می شد نیروهای سرکوبگر به صحنه می آمدند. چنانکه کماندوهای ویژه در سرکوبی تظاهرات مردم ایران در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ و نیز مخالفهای مردم تهران و قم در سال ۱۳۴۲ کوچکترین تردیدی به خود راه ندادند. اما شاید مهمترین جنبه از طرحهای کندی برای اصلاحات در جهان سوم و مبارزه با نفوذ کمونیسم، نفوذ در لایه های درونی اجتماعی این کشورها و آماده ساختن آنها برای پذیرفتن تغییرات مورد نظر امریکا در بلند مدت بود. تاسیس سپاه صلح یا peace corps بوسیله کندی در این راستا صورت گرفت.

فعالیت های سپاه صلح در سراسر جهان و بالاخص ایران در دوره کندی و جانشینانش، کمتر مورد بررسی محققان ایرانی قرار گرفته است. اعضا سپاه صلح با هدف نفوذ در لایه های درونی جوامع توسعه نیافته و شناخت ضعفهای فرهنگی و اقتصادی آنها و تاثیر نهادن بر این جوامع از طریق آموزش و فعالیت های فنی و فرهنگی به کار گرفته می شدند. از لحاظ نظری می توان گفت پیشینه اینگونه طرحهای آموزشی و فرهنگی انعکاسی از این عقیده بود که منافع امریکا پس از جنگ جهانی دوم از طریق متحد کردن کشورهای جهان سوم با امریکا و ارائه خدمات اجتماعی تضمین میشود. این گونه طرحها شکل پیچیده امپریالیسم فرهنگی بود که در دوران جنگ سرد با کمک فعالیت های آموزشی در جهان سوم به تربیت و پرورش افراد مستعد در جهت منافع غرب همت می - گماشت (ادوارد برمن، ۲۲، ۱۳۶۸). جوانان عضو گروه صلح کندی به مناطق دور افتاده روستایی در

جهان سوم یا شهرهای کوچک می رفتند تا به طور مستقیم با مردم زندگی کنند مشارکت در فعالیتهای آموزشی دانشگاهها و مراکز تربیتی نیز بخشی از وظایف آنها بود. البته اندیشه استفاده از جوانان داوطلب برای پیشبرد امور فرهنگی اجتماعی فکری نو نبود و پیش از آن در قرن نوزدهم میلادی در آثار نویسندگانی چون توماس کارلایل و جان راسکین فکر استفاده از دانشجویان اکسفورد برای پیشبرد امور اجتماعی مطرح شده بود و در دوره ریاست جمهوری روزولت در سال ۱۹۰۴ میلادی هم ویلیام جیمز طرح مشابهی را برای استفاده از جوانان ارائه داده بود (C.E. wingenbach, 1961.p:16 – 17). همچنین کلیساهای مسیحی پروتستان سالها پیش از آن، جوانان داوطلب و دانشجویان را برای تبلیغ مسیحیت در آسیا آفریقا و امریکای لاتین در قالب انجمنهای تبلیغی ویژه جوانان سازماندهی کرده و این امر به خصوص در امریکا بعد از دومین نهضت بیداری مسیحی مورد استقبال جوانان قرار گرفته بود و نتایج درخشانیدر پیشبرد اهداف انجمنهای تبلیغی مسیحی بیا راورده بود. حال کندی بار دیگر جوانان امریکایی را فرامی خواند تا این بار برای کمک به اهداف سیاسی امریکا در خارج از مرزهای این کشور به "سپاه صلح" بیوندند و همراه خود دانش و ارزشهای فرهنگی امریکا را در سراسر جهان منتشر سازند. فکر تاسیس این گروه برای کمک به اهداف سیاسی کندی در جهان سوم در نطق او در ۲۱ فوریه ۱۹۶۰ میلادی و سپس سخنرانی او در کنگره امریکا در اول مارس ۱۹۶۱ اشکار شد. کندی در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۰ در سخنرانی خود در دانشگاه میشیگان از دانشجویان در باره تمایل آنها برای اعزام به کشورهای جهان سوم سوال کرد و اظهار داشت امیدوار است تا پایان سال ۱۹۶۱ میلادی بتواند ۵۰۰ نفر داوطلب برای اعزام به جهان سوم از میان جوانان دانشگاهی بیابد ولی شمار داوطلبان بسیار بیشتر از انتظار کندی بود. پس از اولین فراخوان ۳۰ تا ۴۰ هزار نامه دریافت شد (Ist annual peace corps, 1962.p:4). تا سال ۱۹۶۸ میلادی، بیش از ۲۲۲ هزار تقاضانامه به اداره سپاه صلح رسید و از این تعداد بیش از ۸۰٪ پس از طی دوره های آموزشی رسماً به گروه صلح پیوستند (Reeves, 3.1988). از جمله کشورهای هدف در اولین دوره اعزام، غنا - تانزانیا - فیلیپین - شیلی و ایران را می توان نام برد. صاحب نظران سیاسی عقیده داشتند کندی در سال ۱۹۶۱ دو تصمیم خطیر و مهم اتخاذ کرده است:

۱- اعزام نیروهای نظامی امریکا به ویتنام جنوبی

۲- تاسیس سپاه صلح که اینها، دو روی سکه مبارزه با کمونیسم در دولت کندی بودند.

سپاه صلح می توانست ادامه دهنده و یا تکمیل کننده بخشی از فعالیتهای گروه جوانان اصل چهار ترومن باشد که از زمان ریاست جمهوری ترومن هنوز در بسیار از کشورها کار می کردند و براساس قانون مصوب سال ۱۹۶۰ هر سال کنگره امریکا ۱۰ هزار دلار بر ای کمک به مطالعه در باره نحوه فعالیت جوانان گروه صلح اصل چهار ترومن به عنوان یک سازمان غیر دولتی اختصاص می داد ولی کندی می خواست فعالیتهای گروه صلح مستقل از دیگر نهادهای مشابه ادامه یابد. کندی در ۲۱ ژانویه ۱۹۶۱ میلادی ، سارجنت شرایور Sargent Shriver شوهر خواهر خود را که از اعضا اصلی ستاد انتخاباتی اش بود به ریاست سپاه صلح برگزید. پس از سفر های متعدد شرایور و مشاورانش در ماه مه ۱۹۶۱ به اسیا و افریقا دولتهای غنا ، نیجریه ، تانزانیا ، هند ، پاکستان ، تایلند کلمبیا ، ایران ، شیلی ، سنت لوئیس و فیلیپین به عنوان اولین متقاضیان دریافت کمک معرفی شدند. تا ژوئن ۱۹۶۱ میلادی سیاستهای اصلی سپاه صلح تدوین شد که از جمله مهمترین انها این موارد بود :

- ۱- سپاه صلح فقط به کشورهای متقاضی اعزام میشود.
- ۲- داوطلبان در خارج از امریکا زیر نظر دولت میزبان و در هر جا ان دولت تعیین کند کار میکنند
- ۳- انها نقش مشاور نخواهند داشت بلکه مستقیما وارد عمل میشوند
- ۴- مدت خدمت هر داوطلب دو سال و با تقاضای دولت میزبان قابل تمدید است
- ۵- داوطلبان باید پیش از اعزام زبان و فرهنگ و اداب و رسوم محل ماموریت خود را بیاموزند.

از میان ۱۱۵۰ داوطلب که در سال اول به طور رسمی به سپاه صلح پیوستند و آموزشهای لازم را سپری کردند ، دو سوم لیسانس و بقیه فوق لیسانس یا دکترا داشتند. از آن پس تا امروز سپاه صلح کندی همچنان به فعالیت خود ادامه داده و به شدت مورد حمایت روسای جمهور امریکا قرار داشته است سپاه صلح از ان زمان به محو کردن و تغییر مفهوم " امریکایی زشت " در افکار عمومی جهان مشغول است . (امریکایی زشت یا Ugly American بر گرفته از نام رمان سیاسی یوجین بوردیک و ویلیام لدر بود که در سال ۱۹۵۸ منتشر شد) . شاید اولین بار

زامداران امریکایی در دوره ریاست جمهوری کندی احساس کردند با نفرت افکار عمومی جهان روبرو هستند و باید تصویر نامطلوب امریکا در دنیا را اصلاح کنند. دخالت‌های مستقیم امریکا در کره و ویتنام بهانه لازم را برای تبلیغات ضد امریکایی فراهم آورده بود. سپاه صلح کندی و پیش از آن اعضا اصل چهار ترومن در حدود نیم قرن کوشیدند تا در برابر این تبلیغات سدی ایجاد کنند که اهداف اصلی امریکا در جهان سوم پشت آن مخفی بماند. البته در اسالهای اول افکار عمومی در داخل امریکا و برخی روزنامه های امریکایی نسبت به موفقیت این طرح ابراز تردید می کردند و در برخی کشورها مانند کلمبیا و تانزانیا مخالفت‌هایی از طرف گروه‌های سیاسی و شبه نظامی چپگرا با حضور داوطلبان سپاه صلح بروز کرد اما در سالهای بعد از دامنه این مخالفتها در داخل و خارج امریکا کاسته شد و فعالیت‌های سپاه صلح کمابیش ادامه یافت (Osborn, 1965: 40). آموزش‌های اصلی که بوسیله داوطلبان گروه صلح ارائه میشد در درجه اول آموزش زبان انگلیسی و پس از آن مجموعه ای از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کشاورزی بود. در باره ترکیب این برنامه ها باید گفت که از نیمه دوم قرن بیستم این نظر که آموزش رسمی یک سرمایه اجتماعی است گسترش یافت و در دهه ۱۹۶۰ با افزایش یافتن اهمیت سیاسی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه برای منافع غرب، و ناتوانی آنها در تامین نیازهای آموزشی، برنامه کمک به موزش‌های فنی و حرفه ای که می توانست نیروی کار اولیه برای کارخانه های تولید کننده مواد اولیه صنایع غرب را فراهم کند مورد توجه قرار گرفت. سرمایه گذاران خارجی در جهان سوم که به گونه ای فزاینده به صنایع تولیدی و کارخانه ای در کشورهای توسعه نیافته روی می آوردند برای تامین نیروی کار در رشته های فنی بر توسعه آموزش‌های فنی و حرفه ای اصرار داشتند (کارنوی، -۱۳۶۷، ۴۲۱). به نظر میرسد افزایش نیروهای انسانی تحصیلکرده می تواند در تلاش‌هایی که برای ثبات سیاسی دولتهای غیر کمونیست انجام میشود موثر باشد. باید گفت چون بسیاری از کشورهای جهان سوم برای گسترش آموزش خود با مشکل روبرو بودند و همزمان با دوفشار از درون کشور از سوی مردم خود برای ذسیدن به رفاه و امکانات آموزشی بیشتر و نیز فشار از سوی سرمایه گذاران و صاحبان صنایع جدید برای تامین نیری انسانی و کسب سود بیشتر روبرو بودند برای ارتقا آموزش در بخش‌های رسمی و فنی و حرفه ای از کمک‌های خارجی بخصوص کمک‌های امریکا استقبال کردند. در الگوی امریکایی توسعه و پیشرفت که دولت تامین کننده سرمایه لازم برای بخش خصوصی است هدف از آموزش فقط تامین نیروی کار میباشد. به این

ترتیب مدرسه و سواد آموزی در تعیین سلسله مراتب شغلی نقش میباید. از آنجا که در جهان سوم مراکز عمده جذب نیروی انسانی شهرها بودند هر جوان تحصیلکرده روستایی به تدریج تلاش میکرد از روستا به شهر بیاید بدون توجه به اینکه در شهر هم ممکن است فقری همپایه و چه بسا شدیدتر از روستا در انتظار او باشد. در اکثر کشورهای جهان سوم فرزندان طبقات محرومتر جامعه به مدارس فنی و حرفه ای روی می آوردند با ام امید کهبه سرعت در بازار کار جذب شوند به این ترتیب در این گونه کشورها روز به روز تاسیس مدارس فنی و حرفه ای و آموزش حرف ساده به روستاییان ضرورت می یافت. با توجه به این تحلیل در میابیم که چرا در مجموعه کمکهای خارجی امریکا همواره تاسیس و آموزش مدارس فنی حرفه ای پیش بینی شده بود. این مدارس که در دویخش روستایی و شهری فعالیت میکردند نقش اندکی در تحول فرهنگی داشتند. از سوی دیگر بسیاری از کار آموزان این مدارس هم نمی توانستند از مهارتهای خود در بازار کار برای بهبود وضعیت زندگیشان استفاده کنند. (فوستر، ۲۵، ۱۹۶۵)

داوطلبان سپاه صلح کندی در ایران

اسدالله علم در مقاله ای که در یادنامه پانزدهمین سالگرد سپاه صلح منتشر شد در باره چگونگی دعوت دولت ایران از داوطلبان گروه صلح کندی اطلاعات مهمی ارائه می کند. او می نویسد در زمان سفر لیندون جانسون معاون کندی به ایران در تابستان میلادی ۱۹۶۲ برابر با ۱۳۴۱ شمسی و مذاکرات او با علم که در آن موقع نخست وزیر ایران بود، مقدمات حضور گروه صلح در ایران فراهم شد جانسون از تمایل کندی برای اعزام داوطلبان سپاه صلح به ایران سخن گفته و علم نیز از این پیشنهاد استقبال نموده است (p:23. 1976. peace corps volunteer). پس از آن وزارت امور خارجه ایران مامور تهیه طرح موافقتنامه ایران و ایالات متحده امریکا در باره خدمت داوطلبان سپاه صلح در ایران شد که پس از تصویب هیئت وزیران در ۱۰ تیرماه ۱۳۴۲ شمسی مجلس شورای ملی هم آن موافقت نامه را در هفت ماده تصویب نمود. (یوناه الکساندر، ۵۲۱، ۱۳۷۸). بر اساس این موافقت نامه تعداد داوطلبان گروه صلح از طرف دولت ایران تعیین میشد و آنها تحت نظارت سازمانهای دولتی و خصوص ی کار می کردند. دولت ایران اعضا سپاه صلح را از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض گمرکی معاف نمود و رفتاری برابر با کارمندان سفارت امریکا در ایران را در قبال آنها تعهد کرد. (یوناه الکساندر، ۱۳۷۸، ۵۲۰)

در ۱۵ شهریور ۱۳۴۱ شمسی اولین گروه از داوطلبان سپاه صلح کندی که شامل ۱۸ مرد و ۶ زن بودند وارد ایران شدند. اکثر آنها فارغ التحصیلان دانشگاه ایالتی یوتا بودند و مانند میسیونرها رفتار می کردند و بنا به درخواست وزارت فرهنگ به مراکز آموزشی و دانشسراهای تربیت معلم مشغول کار شدند. (اخبار هفته شهریور ۱۳۴۲، ۱۰) از این پس تا پایان ماموریت سپاه صلح کندی در ایران بیش از دو هزار نفر برای آموزش زبان انگلیسی - آموزشهای فنی حرفه ای - کشاورزی و معماری به ایران آمدند. (گازیوروسکی ۲۱۸، ۱۳۷۱) سپاه صلح مانند آژانس توسعه بین المللی AID از نهادهای وابسته به وزارت امور خارجه امریکا بود البته فعالیت AID بسیار گسترده تر از سپاه صلح بود ولی سپاه صلح بوسیله مدیری که از نظر موقعیت همطراز یک معاون وزیر بود و در تمام فعالیتهای این گروه در برابر وزارت امور خارجه مسئول به پاسخگویی بود، اداره می شد (سنجر ۱۳۶۸، ۸۳) نظارت بر کار داوطلبان سپاه صلح در هر کشور بر عهده نماینده ای بود که از طرف مدیر Peace corps انتخاب میشد. در کشور میزبان تحت نظر سفیر امریکا کار میکرد. بتدریج تا ژوئن ۱۹۶۳ چهل و یک داوطلب سپاه صلح وارد ایران شدند و در همین مدت ۱۶ نفر دیگر نیز در حال گذراندن دوره آموزشی بودند. در سال مالی ۱۹۶۳ مبلغ ۵۹ میلیون دلار به خدمات سپاه صلح اختصاص یافت (برای آموزش و به کار گیری هر داوطلب در هر سال ۹ هزار دلار اختصاص یافت) در گزارشی که سپاه صلح در سال ۱۹۶۶ منتشر ساخت اعلام شد در ۵ سال نخست فعالیت در ایران ۲۷۲ نفر مشغول به کار بوده اند. بر اساس این امار تخصصی اصلی داوطلبان اعزام شده کشاورزی و سپس آموزش و خدمات اجتماعی بود. (سازمان اسناد ملی ایران، شماره ۲۹۷۰۵۰۰۵) امور پزشکی و بهداشتی که تا سال ۱۹۶۵ جایگاه مهمی در فعالیتهای سپاه صلح نداشت ولی به تدریج مورد توجه قرار گرفت و فارغ التحصیلان رشته های پزشکی و دامپزشکی هم در جرگه داوطلبان قرار گرفتند. یکی از مسائل مهم در فعالیت سپاه صلح در ایران، تشابه فعالیتهای آنها در بخشهای آموزش و کشاورزی با دیگر کارشناسان امریکایی بود که از سالها قبل و در چارچوب قراردادهایی چون اصل چهار ترومن و بنیاد خاور نزدیک امریکا در ایران حضور داشتند. داوطلبان سپاه صلح کندی پس از ورود به ایران در آموزشگاهی که در مامازن ورامین قرار داشت و بوسیله بنیاد خاور نزدیک اداره میشد دوره های آموزشی خود را برای فراگیری زبان فارسی تکمیل میکردند. بنیاد خاور نزدیک فعالیت خود را در ایران از سال ۱۳۲۴ شمسی آغاز کرده بود و هدف اصلی خود را بهبود وضع اجتماعی بوسیله ارتقا فرهنگ در

مناطق روستایی ذکر مینمود (مجله ایران وامریکا ۱۳۲۸، ۲۲ و نیز مجله اخبار هفته ۱۳۳۶، ۱۰، ۱). این بنیاد در ورامین از محل موقوفات هنرستان دختران ۵ روستا را انتخاب کرده و یک مرکز آموزشی همراه یک باغ کشاورزی نمونه به مساحت ۴ هکتار داشت که محل آزمایش بذرهاى جدید گیاهان بود. این بذرها پس از آزمایشهای لازم به وزارت کشاورزی ایران معرفی و میان کشاورزان توزیع میشد. این بنیاد همواره با کارشناسان اصل چهار ترومن و گروه صلح کندی همکاری نزدیک داشت. کتابهای مورد نیاز و برخی از آموزگاران آموزشگاه داوطلبان سپاه صلح کندی در مامازن توسط وزارت فرهنگ ایران تامین میشدو نماینده ای هم از طرف دولت ایران بر نحوه آموزش آنها نظارت می کرد. (سازمان اسناد ملی ایران شماره ۳۳۷ع/۰۰۳۹۲/۷۲۴۴ ع / آب الف ۱). با توجه به این نکته که در آن زمان هنوز کشاورزی در اقتصاد ایران اهمیت داشت، می توان دریافت که چرا توسعه کشاورزی (با تاکید بر آموزش کشاورزی) کانون عمده توجه امریکا در کمکهای فنی به ایران بوده است. همچنین برای اجرای طرحهای رفاه اجتماعی علاوه بر اعزام پزشکان و پرستاران امریکایی سپاه صلح به ایران، دوره های آموزشی برای کارکنان بخش بهداشتی کشور برگزار شد و طرح تاسیس شبکه ای از مراکز بهداشت روستایی پیاده گردید (گازیوروسکی، ۱۸۷، ۱۳۷۱).

سپاه صلح الگویی برای سپاه دانش و سپاه ترویج آبادانی در ایران

اصلاحات ارضی و انقلاب سفید دو رویداد مهم دهه ۱۳۴۰ شمسی بودند که تاثیرات بحث انگیز آنها بر ساختار اجتماعی _ فرهنگی و اقتصادی ایران از حوزه مطالعه این مقاله خارج است. اما آنچه می توان در باره ارتباط این دو رویداد و سیاستهای کندی در باره ایران گفت آن است که محمد رضا پهلوی که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت دکتر محمد مصدق به شدت برای تثبیت پایه های قدرتش به کمکهای سیاسی و اقتصادی امریکا وابسته بود نمی توانست نظر کندی در باره ضرورت اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در کشور را برای کاستن از تبلیغات کمونیستها نادیده بگیرد. (هوگلاند، ۱۳۸۱، ۹۵) شاه به رغم تمایلات قلبی و اعتقادات شخصی شناچار به نصایح دولت امریکا گوش سپرد و با انتخاب علی امینی به نخست وزیری که مورد تایید سفارت امریکا در تهران بود، زمینه اجرا اصلاحات ارضی را فراهم کرد. همچنین به نظر می رسید اجرا این قانون در نهایت به شکسته شدن سلطه دیرپای مالکان بر روستاها منجر خواهد شد و نفوذ و کنترل حکومت مرکزی در روستاها را افزایش خواهد داد. قانون اصلاحات

ارضی در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ به تصویب رسید و پس از آن در چند مرحله و با شتاب اجرا شد. اصلاحات ارضی پیش در آمد برنامه گسترده تر توسعه اقتصادی و اجتماعی بود که شاه در دی ماه ۱۳۴۲ شمسی اعلام کرد و خود آن را "انقلاب سفید" نامید.

در بین اصولی که به‌تدریج و طی سالیان متمادی برای انقلاب سفید اعلام شد (تا سال ۱۳۵۷ تعداد آنها به ۱۶ اصل رسید) سه اصل تشکیل سپاه دانش، بهداشت و ترویج آبادانی با روستاها ارتباط مستقیم داشت در هر سه مورد آموزش بر انجام فعالیت‌های اصلاحی در روستاها تقدم داشت (سواد آموزی، آموزش روش‌های جدید کشاورزی و آموزش اصول بهداشت فردی و محیط به روستائیان از وظایف اصلی سپاهیان دانش ترویج آبادانی و بهداشت بود). به زعم نگارنده علیرغم تفاوت‌هایی که در شکل اجرا این اصول با فعالیت سپاه صلح‌کندی وجود دارد می‌توان گفت که در طراحی اولیه از ایده توسعه روستایی به کمک اعزام جوانان تحصیل‌کرده و زندگی مستمر آنها با روستائیان بهره‌مند شده‌اند. حتی در سال ۱۳۴۶ و مدتها پس از تصویب قانون سپاهیان دانش، بهداشت و ترویج آبادانی، سفارت آمریکا به دولت ایران پیشنهاد نمود گروهی از جوانان ایرانی انتخاب و تحت ضوابط خاص به آمریکا اعزام شوند تا ضمن فراگرفتن مشاغل مختلف در شهرها و روستاهای آمریکا مشغول به کار شوند به شرط آنکه پس از دو سال به ایران بازگردند و آنچه در آمریکا به طور عملی آموخته‌اند در روستاهای ایران به کار گیرند. که ظاهراً این پیشنهاد در عمل به جایی نرسید. (سازمان اسناد ملی ایران. شماره: ۲۹۷۰۴۵۴۴۲). در هر حال ابتدا سپاه دانش از سال ۱۳۴۳ شمسی شروع به کار کرد. بر اساس قانون مصوب مشمولان لیسانسه و بالاتر برای فعالیت در سپاه دانش توسط وزارت آموزش و پرورش انتخاب شده و پس از طی دوره‌های آموزشی به روستاها اعزام می‌شدند. حقوق و مزایای آنها و نیز هزینه خوراک و مسکن آنها را در مدت دوره آموزشی اولیه وزارت جنگ می‌پرداخت زیرا در اصل آنها در حال گذراندن خدمت نظام وظیفه بودند و پس از شروع به کار در روستاها، هزینه‌های آنها بر عهده وزارت آموزش و پرورش بود. بر اساس آمار منتشره تا سال ۱۳۵۷ تحصیلی شمسی ۲۵۲۸۰ نفر سپاه دانش به ۲۳ استان کشور اعزام شدند. (آمار سپاهیان دانش مندرج در سایت مرکز آمار ایران). به روز شده ۱۳۹۰/۷/۱۰). اولویت تامین نیروهای سپاه دانش از فارغ‌التحصیلان رشته‌های تعلیم و تربیت بود. در برنامه سوم عمرانی کشور در دوره پهلوی پیش‌بینی شده بود که نسبت بیسوادی در کل جمعیت ایران به ۵۰٪ تقلیل یابد (سازمان برنامه آموزش در برنامه سوم ۱۱-۶، ۱۳۴۶).

بر اساس امار ارائه شده سازمان سپاه دانش در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ تعداد ۱۵۱۴۹۴ نفر زن و مرد در استانهای مختلف کشور بر اثر فعالیتهای سپاه دانش با سواد شدند. که به نظر می-رسد تا وضعیت مطلوب فاصله زیادی داشته است. (امار تعداد افراد باسوادشده به تفکیک جنس در کل کشور . مندرج در سایت سازمان امار ایران به روز شده ۱۰/۷/۱۳۹۰). پس از ان سپاه بهداشت از نیمه دوم سال ۱۳۴۳ شمسی به منظور ارائه خدمات پزشکی در روستاها تشکیل شد در اصل فرض بر این بود که همه اعضای سپاه بهداشت در واحدهای ۴ نفره که حداقل یک نفر از آنها در رشته پزشکی تحصیل کرده باشد سازماندهی شوند ولی در عمل بیشتر واحدها از دو سپاهی و درموردی هم تنها از یک نفر تشکیل میشد. (هوگلاند، ۱۳۸۱، ۲۳۷) گروههای سپاه بهداشت شامل فارغ التحصیلان پزشکی_ دندانپزشکی_ داروسازی_ لیسانسه های گروه پزشکی و نیز افراد دیپلمه کمک پزشک بود. آخرین گروه ، سپاه ترویج ابادانی بود که کار خود را از سال ۱۳۴۴ شمسی شروع کرد و تا پایان سال ۱۳۵۱ حدود ۱۸۸۷۴ نفر سپاهی ترویج ابادانی به روستاها اعزام شدند.. به نظر دولت روستاییان در شرایطی نبودند که بتوانند برنامه های اصلاحی را بدون نظارت و هدایت از بالا پیش برند به همین دلیل سپاهیان که وابسته به ارتش بودند و با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش و بهداری کار می کردند می توانستند زمینه مناسب اجرا طرحهای مورد نظر دولت را در روستاها فراهم کنند. از سالهای متمادی حضور عملکرد سپاهیان در روستاها و شهرهای کوچک ارزیابی های متفاوت ارائه شده است که در این مقال نمی گنجد اما در مقایسه عملکرد داوطلبان سپاه صلح کندی که الگوی دولت ایران در بهره مندی از نیروی جوانان تحصیلکرده شهری برای اصلاحات روستایی بود با سه گروه سپاه دانش ، بهداشت و ترویج ابادانی می توان به این موارد اشاره کرد :

- ۱- فعالیت در سپاه صلح کندی داوطلبانه بود در حالیکه سپاهیان بهداشت دانش و ترویج ابادانی به اجبار و در قالب خدمت سربازی به روستاها و شهرهای کوچک اعزام میشدند.
- ۲ - بیشتر افراد سپاه دانش . ترویج ابادانی و بهداشت در برخورد با روستائیان رفتاری تحکم امیز در پیش می گرفتند و این امر برقراری ارتباط با روستائیان و درک نیازهای آنها را دشوار میکرد. داوطلبان امریکایی هم به دلیل ناهمگونی فرهنگی در برقراری ارتباط موثر با روستائیان ناموفق بودند.

۳- روستائیان سپاهیان را نماینده حکومت میدانستند (سپاهیان با درجه افسری ارتش به محل مأموریت خود اعزام میشدند) و حضور آنها در روستاها در تعارض با ساختار قدرت سنتی روستا و رهبران محلی چون کدخدا بود.

۴- اکثر سپاهیان شهر نشین بودند و تجربه ای از زندگی روستایی نداشتند و یا نیازی به هماهنگ ساختن خود با زندگی روستایی احساس نمی کردند. این وضعیت در باره داوطلبان سپاه صلح کندی هم صدق میکرد و یا حتی شدیدتر خودنمایی می کرد.

نتیجه

آخرین گروه از داوطلبان سپاه صلح کندی در سال ۱۹۷۶ میلادی برابر با ۱۳۵۵ شمسی به ایران اعزام شدند. تا آن زمان ایران در دوره های مختلف و تحت عناوین گوناگون از حضور هزاران نفر از کارشناسان امریکایی در امور آموزشی بهداشتی صنعتی و کشاورزی بهره مند شده بود ولی نتیجه دهها سال فعالیت آنها چنان مطلوب به نظر نمی رسید و حتی عملکرد برخی از این طرحها مانند اصل چهار ترومن در ایران از سوی نمایندگان کنگره امریکا نیز زیر سوال رفته بود (همراز، ۱۳۸۱). با توجه به آنچه در سطور قبل ذکر شد، می توان گفت که اگرچه همزمان با حضور داوطلبان گروه صلح کندی در روستاهای ایران، کارشناسان کشاورزی و فنی اصل چهار ترومن و نیز اعضا سپاه دانش، ترویج آبادانی و بهداشت در روستاهای ایران فعالیت می کردند اما نتیجه همه اقدامات انجام شده با اهداف و انتظارات اولیه فاصله بسیار داشت. درباره علل عدم موفقیت داوطلبان سپاه صلح کندی در بخش آموزش فنی و حرفه ای که از اهداف مهم برنامه های توسعه ای به سبک امریکا در جهان سوم بود نیز باید گفت فقدان انگیزه - فقدان اعتماد و سرمایه موجب بیهوده ماندن آموزشهای آنها در میان فراگیران می شد. آموزشهای آنها به روستائیان کوتاه مدت و ناکافی بود و نه برای آن گروه که مایل به ادامه زندگی در روستاها بودند مفید به نظر میرسید و نه آن عده راکه به شهرها مهاجرت میکردند به خوبی آماده کار در کارخانه ها و صنایع جدید می کرد. حتی همکاری داوطلبان سپاه صلح با دانشگاهها نیز تحولی اساسی در بهره وری آنها ایجاد نکرد. و در اکثر دانشگاهها به جز دانشگاه شیراز که در چندین رشته چون فیزیک، تاریخ، هنر، اقتصاد و پرستاری از داوطلبان سپاه صلح استفاده شد در بقیه موارد تدریس آنها در دانشگاهها به آموزش زبان انگلیسی محدود میشد. در بخش روستایی نتیجه ناگوارتر بود زیرا در سال ۱۳۵۷ شمسی که بر اثر وقوع انقلاب اسلامی و سقوط حکومت پهلوی کارشناسان امریکایی از هر

گروه ودسته ای که بودند ، از کشور خارج شدند و فعالیتهای سپاهیان دانش ، بهداشت و ترویج آبادانی هم متوقف شد ، همچنان بخش عمده جمعیت روستایی ایران بی سواد و هزاران روستا از امکانات اولیه بهداشتی و درمانی محروم بودند.

نکته دیگر آن است که آرزوی کندی برای موثر بودن فعالیتهای داوطلبان سپاه صلح و به طور کلی ایده ایجاد رفاه در بین اقشار محروم جامعه به منظور جلوگیری از انقلابهای اجتماعی ، حداقل در مورد ایران به ثمر نرسید. از نظر سیاسی اقلیتی از روستاییان در سال ۱۳۵۷ شمسی از شاه حمایت می کردند. "احساس غالب در روستاها بیان آن چیزی بود که برینگتون مور آن را خشم عمیق اخلاقی می نامید ، یعنی احساس خشمی مشترک علیه بی عدالتی های صورت گرفته به دست کسانی که برسریر قدرت تکیه زده بودند" (هوگلاند ، ۱۳۸۱، ۲۴۸). به این ترتیب بعد از صرف هزینه های گزاف برای آموزش و اعزام داوطلبان سپاه صلح به ایران که با هدف ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی به کشورهای متحد امریکا اعزام میشدند ، نتیجه ای در خور عاید نشد

منابع و مأخذ:

- ۱- آمبروز. استغاف: روند سلطه گری ، ترجمه: احمد تابنده تهران چاپخش ۱۳۶۳
- ۲- الکساندر. یوناه ناس. الن: تاریخ مستند روابطدوجانبه ایران وایالات متحده امریکا: ترجمه: سعیده لطفیان . احمد صادقی، تهران ، قومس ۱۳۷۸
- ۳- بیل. جیمز: شیر و عقاب، ترجمه: فروزنده برلیان، تهران ، فاخته ۱۳۷۱
- ۴- برمن. ادوارد: کنترل فرهنگ، ترجمه: حمید الیاسی، تهران ، نشر نی ۱۳۶۶
- ۵- چامسکی. نوآم: دموکراسی بازدارنده، ترجمه: غلامرضا تاجیک ، تهران کیهان ۱۳۷۷
- ۶- سازمان برنامه و بودجه . آموزش در برنامه سوم . تهران ۱۳۴۶
- ۷- سنجر. ابراهیم : نفوذ امریکا در ایران کتهران . ناشر مولف ۱۳۶۸
- ۸- فوستر. فیلیپ: سراب مدارس حرفه ای . ترجمه رخس خورشید . تهران سازمان برنامه بی تا کارنوی. مارتین: آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم فرهنگی، ترجمه: محبوبه مهاجر، تهران ، امیر کبیر، ۱۳۶۷

- ۹- گازیوروسکی .مارک:سیاست خارجی امریکا و شاه ،ترجمه:فریدون کاظمی، تهران،نشر مرکز ۱۳۷۱
- ۱۰- گن زیر. ایرنه :کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم ، ترجمه احمد تدین ، تهران،سفیر۱۳۶۹.
- ۱۱- هالستی.کی جی : مبانی تحلیل سیاست بین المللی،ترجمه بهرام مستقیمی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، ۱۳۷۳
- ۱۲- لنچافسکی .جورج:روسای جمهور امریکا و خاورمیانه از ترومن تاریگان ، ترجمه :عبدالرضا هوشنگ مهدوی تهران البرز ۱۳۷۳
- ۱۳- همراز.ویدا:بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن در ایران ،وزارت امور خارجه .مرکز اسناد وتاریخ دیپلماسی تهران ۱۳۸۱
- ۱۴- هوگلاند.اریک: زمین و انقلاب در ایران ۱۳۴۰-۱۳۶۰، ترجمه:فیروزه مهاجر، تهران ،شیرازه ۱۳۸۱.
- ۱۵- سایت مرکز آمار ایران
- ۱۶- ارشیو اسناد سازمان ملی ایران
- ۱۷- مجله ایران و امریکا
- ۱۸- مجله اخبار هفته
- 19-Johanson. George W. :The In augral Address of john Fitzgerald kennedy. january 20.1961.in The Kennedy presidential press conferences NY. Earl.M.Colman Enterprises p;40..1978
- 20-Reeves , Zane . T. : The politics of peace corps and Vista. university of Alabama press.Tuscaloosa.1988
- 21-Action fiscal year 1976 Budget and Transition Estimate international programs peace corps.feb1976.
- 22-Osborn. John. Editor : Volunteer :published monthly by the office of public Affairs to support advise and describe the work of peace corps community :peace corps.Washington.DC.20535.
- 23-Packenham .Robert A. :Liberal America and the third world . princeton university press.N.J1976

24-Wingenbach, charls .E. :The peace corps :Who. How and Where.
Contributors :John Day co.NY1961

1st annual peace corps report.1962

2nd annual peace corps report 1963

3rd annual peace corps report 1964

Archive of SID